

ابزار پیشرفت

زندگی - مبارزه - علم - تمام منابع حیاتی
در اختیار انسان - کار و آبادی

محیط اسلامی!

حقیقت این است که دین، در دست مسلمان بکلی قیافه واقعی خود را از دست داده است. بزحمت میتوان بدنیافهماند که اسلام قادر است بر نامه سعادت همه جانبه را برای مردم فراهم سازد.

چه معمولاً ارزش هر مذهب و مرام را از طریق آثار و مظاهرش میفهمند، و یک مطالعه در وضع موجود مسلمان کافی است که بزرگترین لطمه را به حیثیت جهانی اسلام وارد کند. و این خود سد عظیمی است که در طریق نشر و اشاعه اسلام قرار گرفته است. درست همان موقع که نام اسلام در جلو مردم بیگانه برده میشود، منظره ضعف و عقب ماندگی جامعه مسلمان هم در دیده هام مجسم میگردد؛ مردمیکه تا آن اندازه از قافله عقب مانده اند که گاهی وحشی یانیه وحشی از آنها تعبیر میشود، فقر و احتیاج، پراکندگی و انحراف... ترجمه ایست که از ملت اسلامی امروز میشود. مامتأسفیم که باید چنین اعترافی بکنیم و بیشتر متأسفیم که با در دست داشتن مواد برنامه ای که میتواند بزرگترین سعادت ها را برایمان بوجود آورد چنین اعترافی میکنیم.

عیناً همانطور که در گوشه و کناره این مملکت مردمی باشکم گرسنه و چهره های رنگ بریده بر روی ذخائر فراوان ارضی و معادن سرشار راه میروند. همینطور هم ما با وجود این همه ذخائر سعادت و فضیلت، و برنامه علمی و عملی اسلامی، در چنین وضعی بسر میبریم. در چنین وضعی چاره نداریم. اگر بخواهیم اسلام را آنطور که هست بشناسیم، ناچاریم دست از محیط موجود خود شسته و بمطالعه تاریخ تمدن اسلامی بپردازیم و آنچه پیشروها و جلال را که تازه رشعه می از اجرای برنامه اسلامی است مشاهده کنیم والا محیط موجود، نمیتواند جلوه و مظهر برنامه علمی اسلام باشد؛ چه این وضع بدیده از دست

دادن روح اسلامی است ، نمولود وجود آن، مگر آنکه اسلام را تنها با اسم و رسمی ترجمه کنیم تا بتوانیم محیط را محیط اسلامی بدانیم ، والا حقیقت این است که فعلا ؛ محیط اسلامی بی‌معنای واقعی کلمه - نداریم .

خوشبختانه تاریخ تمدن ما غنی است و جلوه موقت برنامه اسلامی توانسته است مدارک و منابع سرشاری از موقعیت و امکانات اسلام در اختیار ما بگذارد . و مهمتر آنکه اصول برنامه و معارف علمی اسلامی هم در دست است و ما میتوانیم با مطالعه در این اصول ؛ روح عالی اسلام را تا حدی دریابیم . در شماره گذشته پایه‌های اساسی تمدن را در اسلام شناختیم و اینک بطور اشاره گوشه‌ئی از منابع و سرچشمه های تمدن اسلامی را مطالعه میکنیم ، تا پس از آن بیحت تاریخی خود که هدف اصلی مقاله است بپردازیم .

اگر تمدن را به « پیشرفت در جمیع شئون زندگی انسانی » ترجمه کنیم ، برنامه‌های اسلام این پیشرفت را در حد اعلی ایجاب میکند و مخصوصاً از آن جهت افکار اسلامی مهم است که نظری ، وسیع و همه جانبه است ؛ و تنها بیک وجهه خاصی توجه نکرده است . برای نمونه گوشه‌ئی از نظرات اسلام را در این باره نقل میکنیم :

زندگی

در اسلام کلمه « حیات » زیاد بچشم میخورد . وی این حقیقت را باینه بیکران آن در جلو چشم انسانها قرار میدهد ، زندگی را خیلی بزرگتر و والاتر از آنچه فکر میکنیم بمانیفمانند . روی کلمه « خلود » زیادتکیه دارد و پیوسته میگوید : این بشر جاودان خواهد بود ، منتهی زندگی مراحلی دارد ، چند صباحی در این محیط و سپس برای همیشه در جهانی وسیعتر .

اسلام زنده را فقط به معنی يك موجودیکه نفس میکشد ، غذا میخورد و تولید مثل میکند ؛ ترجمه نمیکند او همانطوری که دامنه حیات را از نظر زمان وسعت داده و تا سرحد « ابدیت » رسانده است ، دامنه عرضی حیات را نیز توسعه میدهد و بجهان روح و نیروهای فکری و معنوی میکشاند . . . هر چه خلوص و معنویت بیشتر ، لطافت و صفای زندگی زیادتتر ، هر چه قدرت اراده بیشتر ، جلوه و بروز حیات صریحتر ، هر چه فکر و ادراک روشنتر ، جلال و شکوه زندگی زیادتتر و هر چه علم و دانش وسیعتر ، رونق و بهره حیات دامنه دارتر است . و بالاخره حیات دوشادوش تکامل همه جانبه پیش میرود ؛ و ترقی و کمال را میتوان حقیقت معنی زندگی دانست .

» ای آنها که ایمان آورده اید، خدا و رسول را اجابت کنید ، هنگامیکه شمارا بچیزی

دعوت میکنند که شمارا «زنده» میکند» (قرآن)

اسلام همان حیات و حیات واقعی همان اسلام است. بنابراین حیات اسلامی، دامنه اش دنیا و آخرت، جسم و روح و ماده و معنی، همه را میگیرد و تمدن در اسلام؛ پیشرفت در تمام شئون حیاتی - معنی و وسیع آن - میباشد. وقتی نباشد دامنه زندگی از طرفی جهان روح را گرفت و از طرفی عالم ابدی آینده را، بنابراین کلیه تلاشها اینکه برای درك حقائق علمی و بالا بردن سطح معلومات و تفکر و بحث عمیقتر حتی تا آخرین نفس - انجام میگیرد بهدر نیبرود. چه این فکر و علم جهان زنده روح را پرورش داده و برای حیات بیکران دیگر - گذشته از زندگی این جهان - آماده کرده است کوششها و خدمات، راهنماییها و دستگیریها و حتی جان دادن در راه فضیلت؛ تقویت حیات ابدی و آباد کردن زمینه زندگی است.

«آنهايي را که در راه خدا کشته میشوند، مرده میندازد، آنان زنده اند و در پیشگاه فیض پروردگار روزی میخورند» (قرآن).

مبارزه

«زندگی جز عقیده و مبارزه در راه آن چیزی نیست» (حسین بن علی «ع»)

«بهشت سعادت در سایه مبارزه است» (الجنة تحت ظلال العیوف)

در اسلام سکون و ضعف و عقب نشینی ممنوع است. همه سعادتها در پرتو عمل و

تلاش و مبارزه بدست میآید.

«آنها که ایمان آورده و از سرزمین خود هجرت کرده، و در راه خدا با مال و جانشان

مبارزه کردند، آنان بزرگترین درجه و مقام را نزد خدا دارند و آنان کامیاب و سعادتمندند

خدا آنان را برحمت و رضوان و بهشتیکه در آن نعمتهای پایداری برای آنان فراهم است

مژده میدهد» (۲۱ - توبه).

سستی و عقب نشینی در مبارزه حیاتی، نتیجه ای جز شکست و محرومیت و عذاب ندارد

«کسانیکه در میدان مبارزه حاضر نشدند، خوشحالند که با پیغمبر خدا کوچ نکردند

و میل نداشتند که با مال و جان خود در راه پروردگار جهاد کنند و میگفتند در گرمای

تابستان کوچ نکنید. بگو! آتش جهنم سوزانتر است اگر بفهمند، اکنون باید کمتر

بخندند و بیشتر گریه کنند در مقابل این عملی که انجام داده اند» (۸۲ توبه)

ناراحتی و غصه؛ اسارت، آتش حسرت، آتش جهنم، سرشکستگی و محرومیت

همه و همه در اثر مسامحه و سستی و کنار گرفتن از میدان جنگ و مبارزه است.

«خدا به آنانکه با مال و جان خود جهاد میکنند، نسبت بکسانیکه دست از جهاد

شته اند ، از نظر مقام و منزلت ، فضیلت بیشتری داده است . خداوند بیهوده وعده خوبی داده و مجاهدین را بر آنها که مبارزه نمیکنند باجر عظیمی برتری داده است (نساء - ۹۵) . ملاک فضیلت مبارزه است .

علم

در اینجاست که موقیمت علم را در نظر اسلام ، آنطور که هست روشن کنیم ، چهره راستی این بحث بقدری دامنه دار است که مجال بیشتری میخواهد . اسلام ، از اولین لحظهٔ حیات تا آخرین نفس زندگی را زمان آموزش بشر میدانند و تکیهٔ سعادت و فضیلت را درجهٔ روشن بینی و علم و اطلاع می‌شناسد ، سراسر قرآن ، بفکر و کاوش در کشف رازهای جهان تشویق میکند و علم را بزرگی و نور ، و دانشمندان بزرگه واقعی ترجه میکند ، هر جا که میخواهد قومی را سرزنش کند و یا بشدت از آنها اظهار تنفر نماید با عنوان نادان و بی فکر حمله میکند درصدها مورد شکستها و سقوطها و انحرافات مردم را نتیجهٔ نادانی میدانند و بالاخره کسب علم و فضیلت را در سر لوحهٔ برنامهٔ زندگی ضروری و واجب میکند و خلاصه در پیچه‌های فهم و درک را بروی مردم باز کرده و آنانرا به هر چه بیشتر دانستن و هر چه بهتر فهمیدن تشویق میکند تا آنجا که اثر این طرز تفکر را در جامعهٔ دیروز اسلامی میبینیم و آنهمه آموزشگاه‌ها و کتابخانه‌ها و تالیفات و دانشمندان نمونهٔ بارز این اصل عالی اسلامی است .

تمام منابع حیاتی در اختیار انسان

«او کسی است که تمام آنچه را که در زمین است ، برای شما آفرید» (بقره)
 «شمارا در زمین جای دادیم و برای شما در آن زمین وسائل زندگی و معیشت را قرار دادیم . شما کمتر سپاسگزاری میکنید ، (اعراف) .

«بگو ! چه کس زینت خدا را که وی برای بندگانش بیرون آورده ، و روزی پاکیزه و خوب را حرام کرده است ؟ از خوراکیهای گوارا استفاده کنید و عمل شایسته انجام دهید» (قرآن) .

همین دوسه آیه کافی است که بآنها که کور کودکانه نعمتهای نهفته زمین و نیروهای دست نخورده را زیر پا گذاشته و برای بهره برداری بیشتر از مواهب الهی و سر و سامان دادن بزندگی بی رونق خود تلاش نمیکنند ، بفهمانند که تا چه حد از روح اسلام فاصله گرفته‌اند . تمام آنچه در زمین است مال انسان است و برای وی آفریده شده است ، وسیله خوب زندگی کردن در این زمین نهفته است ، باید با عمل و کوشش از این نیروها و نعمتها استفاده صحیح کرد .

کار و آبادی

«وقتی نماز تمام شد در زمین پراکنده شوید و بدنبال بدست آوردن نعمتهای الهی باشید»
(سوره جمعه).

«خدای عزوجل خواب زیاد و بیکاری زیاد را دشمن میدارد» (جعفر بن محمد - ع) (۱)
«از تلاش برای زندگی و معیشت خسته نشوید، پدران ما خود کار میکردند و طلب روزی مینمودند» (جعفر بن محمد - ع) (۲).

«برای بدست آوردن وسائل زندگی سست و کسل نباش تا بار دوش دگران شوی!»
(جعفر بن محمد - ع) (۳).

«کشاورزان گنجهای خدادار روی زمینند. از این کارها چیزی بهتر از کشاورزی نیست» (جعفر بن محمد - ع) (۴).

«آنکس که آب و زمینی در اختیار داشته باشد و بازم بیچاره باشد، از رحمت خدا دور باد» (علی ابن ایضا - ع) (۵).

«در کار تجارت وارد شوید. چه بدینوسیله از مال مردم بینیازمیشوید. خدا پشوره امین را دوست میدارد» (۶)

«دست از تجارت بردارید که خوار میشوید، تجارت کنید خدا شما برکت میدهد»
(جعفر بن محمد - ع) (۷).

«انسان تنها در سایه کوشش بجیزی میرسد» (قرآن).

بنابر این باید برای پیروی از برنامه اسلام شکم زمین را شکافت، آبهای زیر زمین را بیرون کشید از سرمایه های نهفته خاک استفاده کرد و آنها را بصورت مواد و محصولات مختلف قابل استفاده در آورد و بالاخره با ایجاد روابط تجاری بتوزیع و تبادل فرآورده ها و محصولات کمک کرد و زندگی را رونق بیشتری داد، و الا انتظار لطف و رحمت پروردگار را نمیتوان داشت چه لطف خدا آن است که اینهمه منابع سرشار در اختیار ما گذارده و قدرت فکری و بدنی نیز بیاداده است. تاجه حد این نیروها را بکار انداخته و از نعمتها استفاده کنیم؟

۱ - فروع کافی صفحه ۳۵۱.

۲ - وسائل ج ۲ صفحه ۵۳۴.

۳ - فروع کافی ص ۳۵۲.

۴ - وسائل ج ۲ ص ۵۳۱.

۵ - وسائل ج ۲ ص ۵۳۱.

۶ و ۷ - وسائل ج ۱ ص ۵۲۸.